

و باز خبر کشته شدن زنی



اینبار با ضربات چاقو روی پل مدیریت سعادت آباد تهران باز عشق و باز معشوقی ست که قربانی شده است. اگر چه همیشه در روایات و افسانه ها شاهد بودیم که عاشق مجنون سر به کوه و بیابان می گذارد ولی به لطف اتحاد تجرو خشونت در ایران، عشق نیز دستخوش این دگرگونی دهشتناک قرار گرفته است و هر چند گاهی می شنویم که عاشقی دست به خون معشوق خود می شوید.

مهسا دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی در هنگام برگشتن از دانشگاه به همراه دوستش مورد حمله ی کوشا دانشجوی هم کلاسی اش قرار می گیرد. کوشا که به گفته ی خودش چهار سال رادر انتظار به دست آوردن دل مهسا گذرانده و همیشه از وی بی اعتنایی و جواب رد شنیده، تصمیم به قتل دختر جوان می گیرد و در هنگام برگشت از دانشگاه با دو چاقو به وی حمله ور شده دستان دوست مهسا که به کمک مهسا آمده بود را زخمی کرده و روی سینه ی مهسا مینشیند و با فرود آوردن پنجاه ضربه چاقو بر سینه ی مهسا باعث کشته شدن وی می گردد.

کوشا توسط مردم دستگیر شد و به کرده ی خویش اعتراف کرد و همچنین اظهار پشیمانی، هر چند الان کوشا دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی تهران یک قاتل در انتظار حکم است و مهسا دانشجوی هم کلاسی اش دیگر در بین ما نیست و به وحشتناک ترین شکل به قتل رسیده چون به مردی که دورادور عاشقش بوده جواب نه داد.

دشمنی خشم و خشونت و نابرابری که حکومت اسلامی بر پیکر ایران زمین نشانند، دیربست مردم را رادچار روان پریشی و نا آرامی کرده است. دیر زمانی ست که بوی تعفن و عفونت این زخم عمیق دنیا را پر کرده و به جای مبارزه با خشونت که کسی بر کسی می ورزد، خشونت زشت تر و قصی تری وجود دارد.

اعدام های خیابانی، تجاوز، نابرابری، قتل و شکنجه، قطع عضو چنگالی ست برای دولتمردان تا حکومت اسلامی لعنتی را چند روزی بیشتر برای خود نگه دارند. دولتمردانی که حقوق بشر را با قصاص تعریف می کنند. باز هم اعدام، باز هم و باز به ای ریشه یابی و حل مشکلدر کوتاه ترین زمان ممکن کوشا نیز اعدام خواهد شد و صورت مسئله را پاک خواهند کرد تا برای چند هفته ای تیر روزنامه ها باشد. راستی اگر اینگونه مشکلات با اعدام حل می شد باید مملکت ایران هم اکنون

امن ترین نقطه ی دنیا باشد چرا که از نظر آمار اعدام نسبت به جمعیت ، ایران هم اکنون در جهان سرآمد است.

ایا مردم همچنان تقاضای قصاص دارند. مثل مورد قبلی در همین خیابان سعادت آباد. ایا اعدام آن مرد همچنان که می گویند عبرت شد؟؟؟ نه! هرگز! چرا که نتیجه از پیش تعیین شده است: ترویج خشونت. ایا همچنان برای تماشای اعدام ها در خیابان جمع می شویم، کف و سوت می زنیم که قاتلی بر دار کشیده شد و دست و پا زدن و جان دادنش را نگریم.

آری اینگونه است که کشتن و از بین بردن یک انسان عادی تر از همیشه به جریان جنون اسای خود در ایران ادامه می دهد.

اینگونه است که مردم سرزمین عشق و معرفت با نفرت بیشتری به صحنه ی بوسیدن دو عاشق می نگرند تا صحنه ی اعدام یک انسان.

آری اینگونه است که همیشه از خود می پرسم (برکشورم چه رفته است)؟؟؟؟؟